



13577A-2.12.14



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی

اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه DA

۱۳۸۹/۲/۶-۶

استاد راهنما:
دکتر مجید صامتی

کتابخانه اطلاعات بزرگ
تسبیح

استاد مشاور:
دکتر سید کمیل طیبی

پژوهشگر:
مینا مسعودی

آبان ماه ۱۳۸۸

۱۳۴۷۷۸

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه اقتصاد

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

خانم مینا مسعودی تحت عنوان

اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه DA

در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۲۳ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا
امضا
امضا

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر مجید صامتی با مرتبه ی علمی دانشیار

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر سید کامیل طیبی با مرتبه ی علمی دانشیار

۳- استاد داور داخل گروه دکتر سعید صمدی با مرتبه ی علمی استادیار

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر مصطفی رجبی با مرتبه ی علمی استادیار



تقدیم به

بزرگ آموزگاران زندگیم

مهرآوگان هستی‌ام

پدرم

آن آفتاب گلشن روی

و مادرم

آن مهربان بهشتی خوی

که نخستین نغمه‌ها را

"یک حرف و دو حرف بر زبانم

الفاظ نهاد و گفتن آموخت"

بی گمان بی همدلی و همراهی ایشان این مکتوب و هر مکتوب هرگز نوشته نمی‌آمد

شایسته میدانم که در این سرنامه از استادان گرانمایه خودم سپاس بگذارم؛

جناب آقای دکتر مجید صامتی استاد راهنما

و جناب آقای دکتر سید کامیل طیبی استاد مشاور

که حقی بزرگ بر گردن این شاگرد خویش نهاده‌اند. اینان همچون دبیرانی روشن ضمیر و

پیرانی هژیر، مرا رهنمون بوده‌اند و دستگیر. در هر گذار و گذار این جستار، مرا یار بوده‌اند

و کمک کار. چونان که هر بزنگاه این راه، با نگاه و دامنه دانش ایشان هموار گشته

است.

چکیده

پدیده جهانی شدن یکی از بحث برانگیزترین موضوعات فراروی کشورها در عصر کنونی است که در مورد آن اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. بررسی آثار و پیامدهای گسترده این فرآیند بر ابعاد مختلف حیات انسانی از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه خاص اندیشمندان، سیاستمداران و اقتصاددانان جهان را به خود جلب کرده است. این بررسی‌ها، قبل از همه نیازمند کمی کردن این پدیده، و به کارگیری شاخص‌های مناسب برای اندازه‌گیری آن است. بنابراین هدف از انجام این پایان نامه بررسی پدیده‌ی جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه D-8 که شامل کشورهای اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه بوده است.

برای برآورد الگو از روش داده‌های تابلویی استفاده شده است. دوره زمانی مورد بررسی سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۰۵ است. در ابتدا برای اطمینان از عدم وجود رگرسیون کاذب از آزمون‌های ریشه واحد و همجمعی استفاده شده است و بر اساس نتایج این آزمون‌ها متغیرهای مورد استفاده در الگو همجمع بوده و مشکل رگرسیون کاذب وجود نخواهد داشت. در این مطالعه جهت سنجش و ارزیابی جهانی شدن از شاخص‌های سرمایه گذاری مستقیم خارجی، شاخص باز بودن اقتصاد، شاخص ادغام تجاری و شاخص برون‌گرایی اقتصادی و برای توزیع درآمد از شاخص ضریب جینی استفاده شده است. بر این اساس، الگوی توزیع درآمد در چهار حالت مختلف برآورد شده و اثر هر یک از شاخص‌های جهانی شدن بر روی توزیع درآمد کشورهای مورد نظر به طور جداگانه بررسی شده است. نتایج حالت‌های برآورد شده نشان می‌دهد که فرضیه‌ی کوزنتس در هیچ یک از حالت‌ها پذیرفته نخواهد شد. همچنین شاخص ادغام تجاری نسبت به شاخص‌های دیگر جهانی شدن نتایج بهتری را در برداشته است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، توزیع درآمد، کشورهای گروه D-8، داده‌های تابلویی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه.....	۱
۲-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی.....	۲
۳-۱- اهداف تحقیق.....	۴
۴-۱- اهمیت و ارزش تحقیق.....	۳
۵-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....	۴
۶-۱- فرضیه ها یا سوال های تحقیق.....	۴
۷-۱- کلید واژه ها.....	۵

فصل دوم : مروری بر ادبیات موضوع

۱-۲- مقدمه.....	۷
۲-۲- مبانی نظری رابطه آزادسازی و توزیع درآمد.....	۸
۱-۲-۲- الگو هکشر- اوهلین.....	۸
۲-۲-۲- قضیه استاپلر- ساموئلسون.....	۹
۳-۲-۲- نظریه جدید تجارت.....	۱۰
۴-۲-۲- تغییرات تکنولوژی مهارتگرا.....	۱۱
۵-۲-۲- قضیه برابری قیمت نهاده ها.....	۱۱
۳-۲- جهانی شدن.....	۱۲
۱-۳-۲- جهانی شدن اقتصاد.....	۱۴
۲-۳-۲- پیشینه جهانی شدن.....	۱۸
۴-۲- معیارهای جهانی شدن اقتصاد.....	۱۹
۵-۲- شاخص های جهانی شدن.....	۲۲
۱-۵-۲- شاخص های ترکیبی.....	۲۲
۲-۵-۲- شاخص های غیر ترکیبی.....	۲۷
۶-۲- جهانی شدن و توزیع درآمد.....	۳۴

عنوان	صفحه
۷-۲- مروری بر مطالعات گذشته.....	۳۵
۱-۷-۲- مطالعات داخلی.....	۳۵
۲-۷-۲- مطالعات خارجی.....	۳۸
۸-۲- خلاصه و جمع بندی.....	۴۲

فصل سوم: روش تحقیق

۱-۳- مقدمه.....	۴۳
۲-۳- ارائه الگو.....	۴۴
۳-۳- تعریف متغیرها.....	۴۵
۱-۳-۳- ضریب جینی.....	۴۵
۲-۳-۳- تولید ناخالص داخلی سرانه.....	۴۶
۳-۳-۳- اشتغال.....	۴۷
۴-۳-۳- تورم.....	۴۷
۵-۳-۳- مخارج عمومی دولت.....	۴۸
۶-۳-۳- نسبت آزادی اقتصادی.....	۴۹
۷-۳-۳- سرمایه گذاری مستقیم خارجی.....	۵۰
۴-۳- توضیحاتی در مورد گروه D-8.....	۵۱
۱-۴-۳- ساختار تولید و تجارت در کشورهای عضو D-8.....	۵۳
۵-۳- روش تخمین.....	۵۵
۱-۵-۳- مدل داده های تابلویی.....	۵۵
۲-۵-۳- مراحل تخمین مدل بوسیله داده های تلفیقی.....	۵۶
۳-۵-۳- آزمون معنی دار بودن اثرات فردی F لیمر.....	۵۸
۶-۳- منابع داده ها.....	۵۹
۷-۳- محدودیت های تحقیق.....	۶۰
۸-۳- خلاصه و جمع بندی.....	۶۰

فصل چهارم: برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

۶۱	۱-۴- مقدمه.....
۶۲	۲-۴- بررسی مانایی سری های مورد استفاده در مطالعه.....
۶۵	۳-۴- برآورد مدل و بررسی نتایج.....
۶۵	۱-۳-۴- برآورد الگو در حالت اول.....
۶۷	۲-۳-۴- برآورد الگو در حالت دوم.....
۶۹	۳-۳-۴- برآورد الگو در حالت سوم.....
۷۱	۴-۳-۴- برآورد الگو در حالت چهارم.....
۷۲	۴-۴- خلاصه و جمع بندی.....

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۷۴	۱-۵- مقدمه.....
۷۵	۲-۵- بررسی فرضیه های تحقیق.....
۷۵	۱-۲-۵- جهانی شدن، نابرابری درآمدی در کشورهای گروه D-8 را تحت تأثیر قرار می دهد.....
۷۵	۲-۲-۵- فرضیه کوزنتس در کشورهای گروه D-8 مورد تأیید است.....
۷۶	۳-۵- نتیجه گیری.....
۷۷	۴-۵- پیشنهادات برای مطالعات آینده.....

پیوست

۷۸	۱- آزمون های ریشه واحد داده های تابلویی.....
۹۷	۲- نتایج آزمون های ریشه واحد بر روی متغیرها.....
۱۰۷	۳- نتایج برآورد مدل.....

۱۱۵	منابع و مآخذ.....
-----	-------------------

فهرست جدول‌ها

صفحه

عنوان

- جدول شماره (۱-۲) - اجزای شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج ۲۴
- جدول شماره (۲-۲) - شاخص‌های غیرترکیبی ۲۸
- جدول شماره (۱-۴) - نتایج آزمون‌های ریشه واحد بر روی سری‌های زمانی مورد استفاده در تحقیق ۶۲
- جدول شماره (۲-۴) - نتایج آزمون‌های ریشه واحد بر روی باقیمانده الگوهای برآورد شده ۶۴
- جدول شماره (۳-۴) - نتایج برآورد الگو در حالت اول ۶۶
- جدول شماره (۴-۴) - نتایج برآورد الگو در حالت دوم ۶۸
- جدول شماره (۵-۴) - نتایج برآورد الگو در حالت سوم ۷۰
- جدول شماره (۶-۴) - نتایج برآورد الگو در حالت چهارم ۷۲

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

یکی از تحولات بسیار قابل توجه دهه‌های اخیر در اقتصاد جهانی، درهم آمیزی و ادغام رو به تزاید اقتصادهای ملی است که آثار آن را می‌توان در افزایش بازرگانی بین‌الملل، جهانی شدن تولید و جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی ملاحظه کرد. اگرچه تاکنون تعاریف متعددی از مفهوم جهانی شدن ارائه گردیده، اما هنوز تعریفی جامع و فراگیر و مورد قبول همگان، حاصل نشده است و هر یک از محققان و صاحب نظران که در این مقوله به بررسی و کنکاش پرداخته‌اند، با تکیه بر برخی از ابعاد گوناگون فرآیند جهانی شدن، تعریفی خاص از آن ارائه نموده‌اند. از آن میان تعریف ذیل را می‌توان به عنوان تعریفی نسبتاً جامع و رسا از جهانی شدن اقتصاد، در نظر گرفت:

جهانی شدن اقتصاد، فرآیند ادغام اقتصادهای ملی در یک اقتصاد فراگیر جهانی است، که در آن عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه)، تکنولوژی و اطلاعات، آزادانه از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کنند و محصولات تولیدی

(اعم از کالاها و خدمات) نیز آزادانه به بازارهای کشورهای مختلف وارد می‌شوند. از مشخصه‌های این فرآیند اتکا بیشتر به نظام بازار و خصوصی سازی و آزادسازی در ابعاد مختلف آن، اعم از آزادسازی تجارت، بازارهای مالی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی می‌باشد.

آمارهای موجود از کشورهای جهان و استفاده از چندین شاخص مختلف جهانی شدن، حکایت از آن دارد که، کشورهای جهان، طی سه دهه گذشته به سوی درهم آمیزی و ادغام هر چه بیشتر در اقتصاد جهانی پیش رفته اند و فرآیند جهانی شدن در غالب کشورها در حال وقوع است. بطور کلی با توجه به اهمیت این موضوع و اثرات آن بر توزیع درآمد در کشورهای فقیر جهان پایان نامه حاضر به بررسی این مسئله در کشورهای گروه D-8 می‌پردازد.

در ادامه در فصل دوم پس از مروری بر ادبیات موضوع به مبانی نظری مربوطه و مطالعات پیشین پرداخته خواهد شد. در فصل سوم پس از معرفی الگو و متغیرهای آن، روش های برآوردی و آزمون‌های مورد استفاده در این مطالعه مورد بحث قرار می‌گیرند. در فصل چهارم به برآورد الگوها و تجزیه تحلیل نتایج پرداخته خواهد شد. و در نهایت در فصل پنجم به نتیجه گیری و ارائه پیشنهادهای مبتنی بر یافته‌های مطالعه پرداخته می‌شود.

۱-۲- شرح و بیان مساله پژوهشی

جهانی شدن از جمله موضوعات قابل توجهی است که علاوه بر طرح در محافل مختلف علمی و نظری، ذهن اکثریت متفکرین، نخبگان و فرهیختگان تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی را به خود معطوف کرده است. ادعای اصلی جهانی شدن حذف موانع و مرزهای موجود بر سر راه انتقال کالاها و خدمات و کوتاه کردن فاصله زمانی و مکانی میان مبادلات انسانی و همچنین حذف موانع جابجایی عوامل تولید یعنی مهاجرت سهل و آسان نیروی کار و جابجایی سرمایه است. در بسیاری از مقالات، سخنرانی‌ها و نوشته‌های علمی منتشر شده در جهان با تاکید بر آثار مثبت این فرآیند، آن را کلید توسعه اقتصادی جهان در آینده می‌شمارند و کشورهای در حال توسعه را به الحاق هر چه سریعتر به این فرآیند به ظاهر اجتناب ناپذیر فرا می‌خوانند و صراحتاً خاطر نشان می‌سازند که هر گونه کندی و تردید در باز کردن مرزهای اقتصاد ملی به روی اقتصاد جهانی و پیوستن به این موج فراگیر باعث از دست رفتن فرصت های مغتنم بسیار و تحمل هزینه‌ها و خسارات فراوان است. اما پس از بروز بحران‌های مالی جدی در سال ۱۹۹۷ در آسیای شرقی و پس از آن در چند کشور دیگر نظیر روسیه، برزیل و مکزیک و نیز فقدان مشاهده منافع محسوس این فرآیند برای بسیاری از

کشورهای در حال توسعه و همچنین توجه به مشکلات فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی ناشی از عملکرد افراطی بازار آزاد در بعد جهانی، افزایش نابرابری‌های ملی و بین‌المللی، بسیاری از سیاست‌گذاران کشورهای جهان سوم و نیز تحلیل‌گران و دانشگاهیان و جامعه سازمان‌های غیردولتی چه در کشورهای شمال و چه در کشورهای جنوب، از شیفتگی اولیه نسبت به این پدیده بیرون آمده و هشیارانه به نقادی آن پرداخته‌اند.

در این میان توزیع درآمد هم به علت تبعات منفی سیاسی و اقتصادی که نابرابری به همراه دارد و هم به عنوان مشخصه عدالت که آن را با مفاهیم ارزشی جامعه پیوند می‌دهد، از اهمیت به مراتب بالاتری برخوردار است. توزیع درآمد به تشریح چگونگی سهم افراد یک کشور از درآمد ملی می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، توزیع درآمد درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را توصیف می‌کند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که دغدغه اصلی کشورهای عضو گروه DA در روند جهانی شدن چیست؟ شواهد موجود حکایت از آن دارد که طی ۲۵ سال گذشته سطوح درآمدی بین کشورها و نیز بین افراد به جای همگرایی، روند واگرایی داشته است و نابرابری‌های اقتصادی با افزایش شکاف درآمدی بین کشورهای ثروتمند و فقیر، بین ثروتمندان و فقرا در درون کشورها و نیز بین ثروتمندان و فقیران در کل جهان گسترده شده است. اگر چه طی سال‌های دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ نابرابری درآمد در چندین کشور کاهش نشان می‌دهد، لکن طی دو دهه گذشته این روند در دو سوم کشورهای که داده‌هایی کافی از آن در اختیار است معکوس شده است. این تغییرات در نابرابری را نمی‌توان به علل سنتی توزیع درآمد (از قبیل توزیع ناعادلانه منابع طبیعی، زمین و تحصیلات، تبعیض بین شهر و روستا در تخصیص هزینه‌های دولتی و تکنولوژی و ...) نسبت داد، بلکه باید این روند را با گرایش جهان به سمت تکنولوژی‌های مهارت‌بر و حتی پیش از آن به پذیرش آزاد سازی ملی و بین‌المللی بازارها توضیح داد. لذا به دلیل تشابه زیاد خصوصیات اقتصادی کشورهای گروه DA این مطالعه به بررسی اثرات جهانی شدن بر توزیع درآمد این کشورها می‌پردازد.

تحقیق حاضر در پی آن است که فرآیند جهانی شدن را مورد بررسی و کنکاش قرار داده، معانی مختلف، ماهیت، پیشینه و مشخصه‌های اصلی و نیز نظرات موافقین و مخالفین را حول این موضوع پر مناقشه سال‌های اخیر، مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. سپس با پرداختن به مبانی نظری اثرات این فرآیند، چگونگی تأثیرگذاری این پدیده بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه D-8 را مورد ارزیابی و آزمون تجربی قرار دهد.

۱-۳- اهداف تحقیق

هدف اصلی:

- تبیین اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای گروه D-8 در دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۱

هدف فرعی:

- ارزیابی اثر کوزنتس بر توزیع درآمد در کشورهای گروه D-8 در دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۱

۱-۴- اهمیت و ارزش تحقیق

فرآیند جهانی شدن به سرعت پیش می رود و خواسته یا ناخواسته تأثیرات گسترده خود را بر تمامی کشورها اعم از همراه و ناهمراه تحمیل می کند. با توجه به اجتناب ناپذیر بودن جهانی شدن و آثار غیرقابل انکار آن در عرصه های مختلف، ضروری است که به شناسایی این آثار پردازیم و با افزودن بر آثار مثبت و کاهش آثار منفی آن، موجبات بهره برداری کشورمان را از این پدیده حداکثر کنیم. در این میان، توزیع درآمد اولاً بعنوان یک شاخص مهم از عدالت و ثنائاً بدلیل آثار ثانویه سیاسی و اجتماعی آن دارای اهمیت فراوانی است. لذا این پرسش که جهانی شدن چگونه بر توزیع درآمد اثر می گذارد، اهمیت تحقیق را آشکار می کند.

۱-۵- کاربرد نتایج تحقیق

نتایج این تحقیق می تواند کاربردهای عملی فراوانی داشته باشد، زیرا در صورت صحت فرضیه تحقیق، میتوان تلاش کشورمان در پیوستن به سازمان تجارت جهانی و افزایش تعامل با اقتصاد جهانی را بعنوان یک سیاست بهبود توزیع درآمدی تلقی کرد و در غیر این صورت باید سیاست محتاطانه ای را در این راستا تجویز کرد، بگونه ای که از آثار منفی جهانی شدن بر توزیع درآمد حتی الامکان بکاهد.

۱-۶- فرضیه ها یا سوالاتی تحقیق

فرضیه اصلی: جهانی شدن، نابرابری درآمدی در کشورهای گروه D-8 را تحت تأثیر قرار نمی دهد.
فرضیه فرعی: نظریه کوزنتس که اثر مجذور درآمد سرانه را روی توزیع درآمد بیان می کند، در کشورهای گروه D-8 مورد تأیید است.

۱-۷- کلید واژه ها

جهانی شدن^۱

با بهره‌گیری از تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، می‌توان جهانی‌شدن را الگوی تکامل یافته‌ای از فعالیت‌های فرامرزی بنگاه‌ها و شرکت‌ها تعریف کرد که شامل سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تجارت و همکاری برای ابداع و نوآوری و توسعه فرآورده‌های تازه و نو، تولید، منبع‌شناسی و بازاریابی است (بهکیش، ۱۳۸۰).

توزیع درآمد^۲

توزیع درآمد به تشریح چگونگی سهم افراد یک کشور از درآمد ملی می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، توزیع درآمد درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را توصیف می‌کند (جعفری صمیمی، ۱۳۷۱).

کشورهای گروه D-8^۳

گروه D-8 یا گروه هشت کشورهای مسلمان در حال توسعه که اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه در آن عضویت دارند، از جمله پیمان‌های منطقه‌ای است که به منظور ایجاد روابط مستحکم اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه اسلامی و تقویت نفوذ این کشورها در بازارهای جهانی و برقراری گفت‌وگو با هفت کشور صنعتی در تیرماه سال ۱۳۷۵ تشکیل گردیده است (راک خواه، ۱۳۸۴).

داده‌های تابلویی^۴

داده‌های تابلویی، محیط بسیار مناسبی برای گسترش روش‌های تخمین و نتایج نظری فراهم می‌سازند و محققان قادر به استفاده از داده‌های مقطعی و سری زمانی برای بررسی مسائلی می‌شوند که امکان مطالعه

^۱-Globalization.

^۲-Income Distribution .

^۳-D-8 Group of Countries.

^۴-Panel Data

آنها در محیط های فقط مقطعی یا فقط سری زمانی وجود ندارد. روش داده های تابلویی، روشی برای تلفیق داده های مقطعی و سری زمانی است (بالتاجی^۱، ۲۰۰۵).

^۱.Baltagi

فصل دوم

مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱- مقدمه

بحث جهانی شدن اقتصاد که مدت مدیدی است مورد توجه و علاقه اقتصاددانان قرار گرفته، چندی است که با تبلیغات فراوان موجب جذب طرفدارانی شده که این پدیده‌ی اقتصادی را سبب تشویق تجارت آزاد، حذف قوانین و مقررات و برداشتن موانع تجارت بین‌المللی و در نتیجه تأمین اشتغال و بالا رفتن سطح زندگی افراد می‌پندارند.

جهانی شدن را می‌توان فرآیندی دانست که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کم رنگ تر می‌شود و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی کالاها، خدمات و سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها آسان تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌انجامد. از مهم ترین آثار جهانی شدن اقتصاد، افزایش حجم مبادلات بازرگانی میان کشورها و شکل گیری اتحادیه‌های اقتصادی است.

در این فصل سعی بر آن است که مبانی نظری مربوط به فرآیند جهانی شدن در اقتصاد به طور مفصل معرفی و آثار اقتصادی ناشی از آن مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه به معرفی معیارهای شاخص‌های جهانی شدن پرداخته

می‌شود و در نهایت مطالعات داخلی و خارجی انجام شده پیرامون فرآیند جهانی شدن به طور مختصر ارائه می‌گردد.

۲-۲- مبانی نظری رابطه آزادسازی و توزیع درآمد

۲-۲-۱- مدل هکشر- اوهلین

مدل هکشر- اوهلین، به عنوان مدل استاندارد تجارت بین الملل، عامل اساسی و تعیین کننده مزیت نسبی کشورها را، وفور نسبی عوامل تولید (زمین، منابع طبیعی، نیروی کار و سرمایه) می‌داند. بنابراین، کشوری که سرمایه نسبتاً فراوانی در اختیار دارد، در تولید کالاهای سرمایه بر تخصص یافته و به صادرات آنها اقدام خواهد نمود و در مقابل کشوری که نیروی کار نسبتاً فراوانتری دارد، با یافتن تخصص در تولید کالاهای کاربر، نسبت به صادرات آنها اقدام می‌نماید. بنابر مفاد این نظریه، کشورهای توسعه یافته در تجارت خود با کشورهای در حال توسعه، کالاها و خدمات متکی بر نیروی کار ماهر را صادر و در مقابل کالاها و خدمات متکی بر نیروی کار کم مهارت را وارد می‌نمایند.

در پی آزادسازی و رفع موانع تجاری، تشدید تجارت بین این دو گروه از کشورها، باعث کاهش تقاضا برای کارگران غیرماهر در کشورهای توسعه یافته خواهد شد و این کاهش تقاضا با فرض ثبات سایر شرایط به کاهش دستمزدهای نسبی آنها منتهی می‌گردد که بزرگی این تأثیرگذاری بر دستمزدها، به میزان حساسیت دستمزدها به تغییرات تقاضا بستگی دارد. در کشورهایی با دستمزدهای انعطاف پذیر، افزایش تجارت با کشورهای در حال توسعه به کاهش دستمزد نسبی کارگران کم مهارت منجر خواهد گردید و در کشورهایی که دستمزدها، انعطاف ناپذیری بیشتری دارند، افزایش تجارت با کشورهای در حال توسعه، عمدتاً به بیکاری بیشتر کارگران کم مهارت خواهد انجامید (سالواتوره^۱ ۱۳۸۳).

برعکس، آزادسازی تجارت در کشورهای در حال توسعه، که از نیروی کار غیر ماهر فراوانی برخوردارند، تقاضا و دستمزد این گروه از کارگران را افزایش داده و در نتیجه باعث کاهش نابرابری کل خواهد گردید. این تحلیل، مدل تجارت با مضمون نهاده ای است که عمدتاً اقتصاددانان کار در بسط آن نقش داشته اند. دیدگاه دیگر که ابتدا توسط اقتصاددانان بین الملل بسط و توسعه یافت، از قضیه استالپر- ساموئلسون نتیجه می‌شود که به طور مختصر به آن می‌پردازیم.

^۱ - Salvatore.

۲-۲-۲- قضیه استاپلر - ساموئلسون

دو قضیه معروف از مدل هکشر-اوهلین به دست می آید که در ارتباط مستقیم و صریح با اثرات تجارت بر دستمزدها و قیمت دیگر عوامل تولید است. قضیه برابری قیمت نهاده ها و قضیه استاپلر-ساموئلسون. بنا به قضیه برابری قیمت نهاده ها، با وجود رژیم تجاری آزاد و در تحت فروض مدل هکشر-اوهلین قیمت عوامل تولید در بین کشورهای طرف تجاری یکسان خواهد گردید.

طبق قضیه استاپلر-ساموئلسون، افزایش قیمت کالاهای داخلی به دلیل وضع تعرفه های بالاتر و یا حمایت های غیر تعرفه ای (چون وضع سهمیه) باعث افزایش قیمت واقعی نهاده ای خواهد شد که در تولید آن کالا سهم بیشتری دارد. مثلاً اگر در تولید رایانه نیروی کار بیشتر و زمین کمتر و در تولید گندم، زمین بیشتر و نیروی کار کمتر به کار گرفته می شود، این قضیه نشان می دهد که با وضع تعرفه بر واردات رایانه، دستمزد واقعی کارگران نسبت به اجاره زمین افزایش خواهد یافت. بحث به این صورت است که، در یک کشور کوچک، تعرفه، قیمت کالاهای وارداتی را نسبت به کالاهای صادراتی به مقدار تعرفه افزایش می دهد که با فرض همگن بودن کالاهای افزایش مشابه در قیمت کالاهای داخلی جایگزین واردات را در پی خواهد داشت و این امر به نوبه خود باعث انتقال منابع از تولید کالاهای صادراتی به تولید کالاهای جایگزین واردات خواهد گردید. در نتیجه تقاضا و به تبع آن دستمزد نسبی نهاده ای که در صنایع جایگزین واردات شدت کاربری فراوانتری دارد، نسبت به نهاده ای که شدت کاربری کمتری دارد افزایش می یابد. از آنجا که کالاهای جایگزین واردات از نهاده ای بیشتر استفاده می کنند که در کشور کمیاب تر است، بنابراین با وضع تعرفه، قیمت نسبی این نهاده افزایش می یابد. بنابراین آزادسازی تجارت و کاهش حمایت تعرفه ای از کالاهای کارخانه ای، مانند کفش و لباس، که به طور نسبی نیروی کار غیر ماهر بیشتری را استفاده می کنند باعث خواهد شد که دستمزد واقعی این گروه از کارگران نسبت به دستمزد دریافتی کارگران ماهر کاهش یابد.

بنابر مفاد این قضیه، آزادسازی تجارت در هر کشور، تقاضا را برای نهاده تولیدی که نسبتاً در آن کشور فراوانتر است، افزایش خواهد داد. و به تبع آن قیمت آن نهاده نیز بالاتر خواهد رفت. از آنجا که در کشورهای توسعه یافته نیروی کار ماهر و در کشورهای در حال توسعه نیروی کار غیر ماهر فراوان است، آزادی تجارت بین این دو گروه از کشورها، باعث افزایش تقاضا و دستمزد کارگران ماهر در کشورهای ثروتمند خواهد شد، اما در کشورهای در حال توسعه، بر تقاضا و دستمزد کارگران غیر ماهر افزوده خواهد گردید. در نتیجه آزادسازی